

مهندس بازرگان، الگویی برای زیستن

امیر طیرانی

عرصه سیاسی-اجتماعی ایران در یک صد سال اخیر شاهد بروز و ظهور کنشگران متعددی بوده است که هریک به نوبه خود ایفاگر نقشی و یا موجد جریانی فکری یا عملی بوده اند. بعضی از این کنشگران در عرصه اندیشه، عده ای دیگر در مقام قدرت سیاسی و عده ای نیز در عرصه عمل سیاسی-اجتماعی به عنوان اپوزیسیون فعالیت هایی داشته و آثار و نتایجی از خود برجای گذاشته اند. مشخصه اصلی این افراد فعالیت و حضور در یکی از عرصه های عمل اجتماعی و یا تولید فکر و اندیشه است.

در میان این عده تک عناصری بوده اند که با شناخت صحیح از توانایی ها، کاستی ها و نیازهای عصر خود توانسته اند منشا اثر اجتماعی واقع شده و علاوه بر فعالیت در عرصه اندیشه و تولید فکر، به عنوان یک فعال سیاسی اجتماعی منشا پیدایش یک حرکت سیاسی و یا اجتماعی هم باشند. مهندس بازرگان از جمله این افراد است. به همین لحاظ بررسی و مطالعه مشی او که در هر دو زمینه عمل و نظر شرکت داشته دارای اهمیت است.

اعتقاد به پیشرفت و ترقی ایران، آزادی خواهی، دین داری و پابندی به ارزش های والای دینی و ایمان به نقش کارکردی دین در رهایی و سعادت بشر، اعتقاد به کار جمعی و ضرورت تاسیس نهادهای مدنی، نظم، استواری بر عقاید و آرا و تحت تاثیر فضای عمومی دست نشستن از آن ها از جمله ویژگی های مهندس بازرگان بود.

در این نوشتار سعی شده است تا تلاش های فکری و عملی مهندس بازرگان در طول نزدیک به شصت سال حضور وی در عرصه های فکری، سیاسی و اجتماعی ایران واکاوی شود.

مهدی بازرگان فرزند حاج عباسقلی بازرگان تاجر تبریزی متدین مقیم تهران پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در سال 1307 به همراه حدود یک صد دانشجوی دیگر از سوی رضاشاه برای تحصیلات عالی به اروپا اعزام شد. دانشجویان اعزامی در آلمان و فرانسه و بلژیک در کنار تحصیل در رشته های گوناگون دانشگاهی با تمدن و تجدد آن دوران نیز آشنا شدند. به گفته بازرگان تصور ابتدایی اکثریت این دانشجویان در آغاز راه این بود که: "اگر ما رو به تحصیلات عالی و تخصص بیاوریم، کارخانه بسازیم، تشکیلات فرنگی به ادارات و زندگیمان بدهیم، درمان دردها و رفع بیماری ها و عقب ماندگی هایمان خواهد شد." (مدافعات ص 41)

اما این تصور از علت پیشرفت اروپایی ها در نظر بازرگان به تدریج تغییر کرد. گرچه این تصور و نگاه در باره سایرین صادق نبود و تعداد زیادی از همان دانشجویان از این مرحله جلوتر نرفتند. بازرگان همراهان خود را در نحوه مواجهه با تمدن غربی به سه دسته تقسیم کرده است: "کسانی که بیش از ظواهر و زندگی خوب و خوشی ها چیزی نمی دیدند، کسانی بودند که احساس درد می کردند و درمان می جستند. عده زیادی درد و دوا را در علم و صنعت و کار زیاد و نیز قدرت و ثروت که عوامل مثبت برونی هستند می دیدند. عده کمتری علاوه بر مظاهر و آثار مرئی و موثر خارجی، توجه به چگونگی ساختار و صفات درونی طبقات مردم و ملت های اروپایی پیدا کرده و اینها را منشا و سازنده می دانستند." (شصت سال خدمت و مقاومت ص 209)

بازرگان آن چنان که خود بیان کرده است از دوران حضور خود در فرانسه تاثیرات بسیار پذیرفت. نظم و برنامه ریزی در امور، گرایش به آزادی، اهمیت اجتماع و برتری آن در مقابل منافع فردی، نهادهای اجتماعی، فرهنگی غیر دولتی و... از جمله این تاثیرات بود. خود وی درباره سوغاتی که با خود از فرنگ به ایران آورده است می گوید: "1- مختصری معلومات مهندسی... 2- اعتقاد و علاقه فزون یافته به اسلام ولی نه اسلام خرافی و انحرافی و تشریفاتی فردی بلکه اسلام

اصلی اجتماعی وزنده...3-احساس این واقعیت بزرگ که سازنده وصاحب تمدن وسروری ممالک اروپا یک شخص ویک مقام نبوده وتمام افراد از این جهت...دارای ارزش واحترام وآزادی هستند4- کشف این راز بزرگ که زندگی اروپایی وضامن بقا وپیروزی ملت ها در شکل ونظام اجتماعی است نه انفرادی وشخصی."(مدافعات صص64-65)

علی رغم این تاثیرات ، بازرگان از همان ابتدا به یک دستاورد بزرگ دیگر نیز نایل شد وآن پرهیز از تقلید وتحت تاثیر فضای عمومی قرار گرفتن بود. خود وی در این باره می نویسد: "نسل متعلق به ما نسبت به نسل آقای تقی زاده وکاروان های اولی که به اروپا رفته وخوباخته و وسیاری از وحشت زده تمدن اروپایی شده بودند چندسال اختلاف داشت. بنده و بسیاری از هم دوره های بنده به هیچ وجه طرفدار آن گفته آقای تقی زاده ...نبودیم ...که در آن ایام اظهار عقیده کرده بودند که ما باید از ناخن های پا تا مغز سر فرنگی شویم."(مدافعات صص65) . عنوان اولین سخنرانی بازرگان که در محل سفارت ایران در پاریس انجام شد،**مقلد نباشیم** ، بود. (شصت سال-صص213) به گفته خودش در این دوران : "معدودی از ما این اندازه جلو آمده وشخصیت پیدا کرده بودیم که طرفدار تقلید وتبعیت از اروپایی ها نبودیم. فقط توجه وتبعیت از اصول می کردیم."(مدافعات 66)

بازرگان در سال 1314 به کشور باز گشت وپس از چندی به خدمت سربازی رفت وبعد از اتمام خدمت در دانشگاه تهران استخدام ومشغول تدریس شد. چندی پس از آن یک شرکت فنی -مهندسی به نام **اما**، را به همراه شش تن از دوستان خود تاسیس کرد. در همان ایام یعنی پیش از شهریور 1320 مقاله مفصلی تحت عنوان "**مذهب در اروپا**" از مهندس بازرگان در نشریه دانش آموز به چاپ رسید که به گفته خود وی اولین ارمغان وی پس از هفت سال تحصیل ومطالعه در زمینه لزوم پای بندی به دین محسوب می شد.(شصت سال-صص220)

بازرگان از آن به بعد تا هنگام فوت یعنی در 53 سال باقی مانده عمر خود در سه زمینه فکری، سیاسی - اجتماعی وحرفه ای فعالیت داشت ودر هر سه زمینه منشا خدماتی شد.

الف- زمینه فکری:

تلاش های فکری بازرگان را به سه دسته اعتقادی، اجتماعی وسیاسی می توان تقسیم کرد.

بخش عمده تلاش های فکری بازرگان در زمینه اعتقادی انجام گرفت. بعد از شهریور 1320 وآزادی نسبی سیاسی اجتماعی وفرهنگی که درکشور پدید آمد نحله های گوناگون شروع به فعالیت کردند که ازجمله آنها قائلین به مکتب کمونیسم وماتریالیسم بودند. تبلیغات کمونیست ها درآن دوران موجب هراس گروه های مختلف مختلف در داخل ایران شد. حکومت گران که ترس از غلبه کمونیسم در عرصه سیاسی را داشتند ، متدینین که عقاید وایمان مردم را در معرض خطر می دیدند و...

به همین دلیل گروه های مختلف، به مقابله با تبلیغات حزب توده وکمونیست ها شتافتند . مهندس بازرگان نیز در زمره همین افراد قرار داشت که به قول خودش احساس وظیفه کرد تا به دلیل آن چه "تهدید ارکان خانوادگی واتحاد ملی از جانب کمونیست ها"می خواند به مقابله با این مکتب برخیزد. بازرگان از میان سه راه ممکن برای مقابله با کمونیست ها یعنی راه زورونظامی -پلیسی، راه سیاسی واز طریق احزاب و راه فکری وعقیدتی ، راه سوم را برگزید. بازرگان این مبارزه را در سراسر دهه 1320 ادامه داد. به گفته خودش: "سخنرانی ها ونوشته های این جانب در انجمن اسلامی دانشجویان از سال های 1322 به بعد عموماً متوجه ومتعرض افکار مادی واشتراکی بود . ازجمله ،اسلام یا کمونیسم،از خداپرستی تا خودپرستی،که در چند جلسه به صورت سخنرانی ایراد شد وبعد چاپ وانتشار یافت." (شصت سال-صص223)مبارزه با کمونیسم در دهه های 30 و40 از سوی وی اگر نگوییم به فراموشی سپرده شد می توان گفت با توجه به نیاز وضرورت زمان بسیار کم رنگ شد . اما در دهه 50 وبه ویژه پس از کودتای مارکسیست -لنینیست ها در درون سازمان مجاهدین خلق بار دیگر از سر گرفته

شد. دوکتاب علمی بودن مارکسیسم و نقد نظریه اریک فروم حاصل دغدغه های فکری بازرگان در آن دوران است.

در همین دوره جنبه دیگر تلاش های اعتقادی بازرگان به مبارزه با اندیشه بهائیت اختصاص یافت. کتاب آخرالزمان نمونه ای از تلاش های بازرگان در این زمینه است.

اما تلاش های فکری بازرگان در مقابله فکری با کمونیسم و ماتریالیسم و نیز بهائیت نه صرفا از طریق پاسخگویی به مسایل آ» نخله ها بلکه از راه تبیین نقطه نظرات اسلام و به ویژه تلاش برای همسویی علم و دین و تطبیق احکام و مسائل دینی با قواعد و اصول علمی و دانش روز انجام می گرفت. نخستین گام در این زمینه کتاب **مطهرات در اسلام** بود که نخست به صورت سخنرانی در کانون اسلام مطرح و سپس در سال 1321 چاپ شد. یکی از مهمترین آثار بازرگان کتاب **راه طی شده** است. بازرگان مطالب این کتاب را طی چهارجلسه سخنرانی در مسجد سپهسالار در سال 1327 بیان و سپس منتشر کرد. این کتاب حداقل تا بیش از دوده از جمله منابع و مآخذ اصلی روشنفکران مسلمان به شمار می رفت. به گفته عزت الله سبحانی: "در آن دوران منابع و مآخذی که بتواند اطلاعاتی در مورد بحث های فلسفی روز و یا مباحث علمی-مذهبی در اختیار علاقمندان به این بحث ها بگذارد در دسترس نبود. تنها منبع ما همین کتاب راه طی شده مهندس بازرگان بود." (نیم قرن خاطره و تجربه - ص 88)

بازرگان در راه طی شده کوشش کرده است تا با استناد به آیات قرآن اثبات کند که راهی که بشر با تکیه به علم و تجربه خود طی کرده و می کند همان راهی است که انبیا الهی برای انسان تبیین نموده اند: "آری بشر در سیر تکاملی خود راهی جز راه انبیا نیپیموده است و روز به روز به مقصد آنها نزدیک تر می شود. اما خواهید دیدفاصله به قدری زیاد است و انبیا آنقدر جلوتر از مردم و بزرگترین نوابغ دنیا رفته اندکه بشریت سال های سال باید رنج ببیند و پیش برود تا رشد کافی برای درک صحیح معانی و اجرای درست مقاصد آنها احراز نماید." (راه طی شده - مجموعه آثار 1- ص 23، 22)

وی چه در آن کتاب و چه در سایر آثار دیگر خود همچون **عشق و پرستش**،، **بادوباران در قرآن**، **ذره بی انتها**، **بی نهایت کوچک ها**، **کار در اسلام** و... با بهره گیری از آیات قرآن و نیز دانش ترمودینامیک تلاش داشت تا برای نسل جوان ثابت کند که دین و مذهب با علم، پیشرفت و تمدن نه تنها مابینت و ناسازگاری ندارد بلکه میان آن ها هماهنگی کاملی به چشم می خورد.

تلاش های ایدئولوژیک بازرگان تا پایان عمر وی ادامه یافت. سیر تحول قرآن که به گفته دکتر علی شریعتی در نوع خود یک شاهکار به شمار می رفت **بعثت و ایدئولوژی**، **نیک نیازی**، **بازگشت به قرآن**، **گمراهان**، **توحید-طبیعت** - **تکامل**، **مساله وحی**، **آفات توحید**، **بازیابی ارزش ها**، **آخرت و خدا** از جمله آثاری است که در در دهه های بعد از بازرگان منتشر شد.

بخش دیگر تلاش های فکری بازرگان، تاملات و تتبعات وی در زمینه اجتماعی است. بازرگان در کنار تاملات ایدئولوژیک خود، بحث ها و مطالب مفصلی در باره مشکلات اجتماعی ایرانیان مطرح ساخته که از جمله آنها می توان به **آثاری همچون فحش و تعارف در ایران**، **سازگاری ایرانی**، **چشم هم چشمی**، **نامه ساده زیستان**، **روضه خوانی**، **ما معلم یا مربی**، **خیرات و خدمات در ایران** و... نام برد. در این آثار بازرگان کوشیده است تا با بررسی رفتار و خلیات ایرانیان بخش هایی از نواقص و کاستی های فرهنگی ایرانیان را برشمارد. و از این طریق به بعضی از دلایل عقب ماندگی و پیشرفت نکردن ایران دست یابد. در **سازگاری ایرانی**، بازرگان ضرورت طرح این بحث را چنین توضیح داده است: "نمی توانیم منکر شویم که سیستم معاش و طریقه ارتزاق یا اشتغال مهمترین عامل تربیتی و سازنده خصال و روح شخص یا ملت می شود. خصوصا وقتی نظر محدود به فرد نداشته، سیستم اجتماعی معاش را به حساب بیاوریم که شکل و شرایط اجتماعی را نیز شامل می شود." (سازگاری ایرانی ص 8) وی در این کتاب به بررسی نقش سیستم کشاورزی که قرن ها شکل غالب معاش ایرانیان بوده است و تاثیرات این سیستم بر خلیات ایرانیان پرداخته است. به عقیده بازرگان سیستم کشاورزی با

توجه به ویژگی های سرزمینی تاثیراتی همچون بردباری، شلختگی، وارهایی، نوسان های شدید زندگی، زمینگیری، تک زیستی رابه صورت مستقیم بر زندگی وروحیات ایرانیان برجای گذاشته است.

قسمت سوم آثار بازرگان به طرح مسائل سیاسی اختصاص دارد . بازرگان در اواخر دهه 1320 هنگامی که هنوز به دخالت درسیاست اعتقاد نداشت، کتاب ؛بازی جوانان با سیاست؛را منتشر کرد. آثار سیاسی بعدی بازرگان ؛مرز بین دین و سیاست وتفکیک دین و سیاست بود. زندان های دهه 1330 و بعد در دهه 1340 بازرگان را به طرح مباحث سیاسی بیشتر علاقمند کرد. در دوران زندان دهه 40 او نهضت آزادی در هند ، چرا با استبداد مخالفیم را تالیف ومنتشر کرد. مدافعات سیاسی بازرگان در دادگاه تجدید نظر که نخستین باردر 1350 به صورت کتاب در خارج از کشور انتشار یافت ،سوی بار سیاسی آن ،اثری در خور توجه در تجزیه تحلیل جامعه ایران به شمار می رفت . مدافعات بازرگان در حقیقت رساله ای در باب محاکمه استبداد وریشه های تاریخی ، اجتماعی وسیاسی آن درایران بود. بازرگان درپاسخ به اتهامات مطرح شده علیه خود وسایر متهمین در دادگاه ، ابتدا سیری از تحولات شخصی خودرا از ابتدا تا سفر به اروپا وبعد فعالیت های فرهنگی ،اجتماعی وسیاسی خودرابرای دادرسان بیان کرد.در ادامه به دلایل ورود خود به سیاست اشاره کرد وسپس علل مخالفت خود با استبداد را برشمرد. در دوره ای که بسیاری از مدعیان بعدی عرصه سیاست ایران سکوت پیشه ساخته بودند ، در دادگاه نظامی ودر حضور تیمسارهای ارتش وماموران ساواک ، بازرگان گفت:"سلطنت استبدادی ایران با 2500 سال سابقه تاریخی خود وسلطه ای بر عوام وخواص داشته وقبضه ای که از امور وشئون مختلف اجتماع کرده است، چیزی نیست که بدون اثر وارث گذشته باشد ودر ایران ودر وجود ساکنین آن نفوذ نکرده باشد."(مدافعات – ص232)وی در ادامه ده اثر زیان بار استبداد را برای رییس واعضای هیات دادرسی دادگاه برشمرد واز جمله به تاثیر استبداد بردستگاه قضائی یک کشور اشاره کرد وگفت:"اصولا هیات حاکمه غاصب مستبد برای حفظ حیات وپیشرفت اغراض خود مجبور است افراد استخوان دار وشرافتمند وپاکدامن مستقل را از دستگاه قضایی طرد کند وآن جا راضعیف ومطیع خود نگاه دارد."(مدافعات ص236)در بخشی دیگر، بازرگان رژیم استبدادی را ام الفساد لقب دادوگفت : " پایه استبداد ناگزیر روی دروغ گذارده می شود. زیرا چه پادشاه وچه درباریان ودولتیان برای آن که سلطه غیر طبیعی وغیر الهی وغیر انتخابی یک فرد را که در حالت عادی هیچ گونه مزیت وفضیلتی بر سایرین ندارد بحق وبجا جلوه دهند وابهت وجبروت اورا درچشم ودل مردم بزرگ کنند ناچارند به انواع تملق ها وتظاهرها وتصنع ها ، فضایل وکمالات به او نسبت دهند وبینش وقدرت برای او بتراشند. ظل اللهشبنامند، قبله عالمش خطاب کنند قدر قدرتش بگویند عدالت گسترش بخوانند تمثالش را بی مثال، سایه اش را همایون خاک پایش را سرمه چشم ها وشپش را منیژه خانم بدانند."(مدافعات 271) در بخشی دیگر ، بازرگان به تضاد میان استبداد واصلاحات که در آن دوران از سوی رژیم شاه تبلیغ می شد پرداخته وچنین عنوان می کند که در رژیم استبدادی اصلاحات نیز امکان پذیر نخواهد بود.وی برای اثبات تعارض میان استبداد واصلاحات ضمن توضیح پیرامون لزوم انجام کارهای عمرانی در هر حکومتی می گوید:استبداد گاه گاه به میل وابتکار خود ویا به فشار واکراه ویا به قصد فرار وفریب دست به اقداماتی می زند که نامش را اصلاحات می گذارد ولی بسیاری این اصلاحات صوری ودلخوش کن است یا برای تقویت مبانی استبداد وتوسعه منافع استعمار استودرهرحال خالی از حسن نیت وبیشتر موجب افساد است تا اصلاح."(مدافعات 292) ودرپایان بحث خود نیز می گوید:" مقدمه وپایه هراصلاح وضروری ترین سرمایه برای انسان آزادی است. مستبدها اگر راست می گویند آزادی وارزش شخصیت انسانی را سلب ننمایند."(مدافعات ص294)

بررسی زیان های استبداد برای جامعه نیز از دید بازرگان با این سوال به پایان می رسد که:"آیا در محیط استبداد خدا پرستیده می شود؟" وی در پاسخ به این سوال می گوید:" آنچه در بندهای قبل از آثاربد وزیان های استبداد شروع شد در واقع مظاهر ونتایج همین بند آخر یعنی پرستیده نشدن خدا وجاری نبودن حکم خدا است.....اگر فساد وفحشاو آلودگی ها ونادرستی ها رواج یافته است اگر امیدی به اصلاح ونجات نیست واگر عشق وعمل رخت بر بسته ...تماما برای این است که خدا به حقیقت وواقعیت در کشور ما پرستیده نمی شود."(مدافعات ص304)

بازرگان در سال های بعد نیز بحث هایی را در ارتباط با مسائل سیاسی مطرح ساخت. اسلام و آزادی ، انقلاب ایران در دوحركت، انقلاب اسلامی ایران از جمله آثار وی در این زمینه است .

ب- زمینه های عملی

در ابتدای بحث گفته شد که ویژگی بازرگان در حضور توامان وی در صحنه فکر و عمل بود . از جمله تاثیرات عمده ای که بازرگان در زمان حضورش در فرانسه از آنجا آموخت ، کرکرد انجمن ها و نهادهای غیر دولتی و اصولا کار جمعی آنان بود. وی بعد از تشریح فعالیت های انجمن و نهادهای خیریه و غیر خیریه غیردولتی می گوید: "بنابراین وبا بداهت قاطع و حتمی می بایستی یکی از ارمغان های اصلی ما برای مملکت ایجاد اجتماعات و انجمن ها باشد و تبدیل افکار فردی به اجتماعی ... و واحدهای اجتماعی را در کادر منظم مطمئن متحرکی با هم مرتبط و هم قدم و همکار نماید." ((مدافعات ص 58)

در همین راستا بازرگان از همان ابتدای شروع فعالیت های سیاسی اجتماعی خود گام در این راه گذاشت . همکاری با نهادهای موجود، تاسیس و راه اندازی نهادهای جدید در عرصه های فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی از سوی وی در همین راستا شکل گرفت.

مرحله اول: دوران همکاری

بعد از ورود به ایران و همچنین در دهه 20 فعالیت های بازرگان در چارچوب همکاری با نهادهای موجود قرار داشت. کانون اسلام آیت الله طالقانی ، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و کانون مهندسين از جمله نهادهایی بود که بازرگان با آنها همکاری داشت. اکثر سخنرانی های بازرگان در دهه 20 که بعد ها به صورت کتاب چاپ و منتشر شد در کانون اسلامو انجمن اسلامی دانشجویان ایراد شده بود. عزت الله سبحانی در باره ارتباط بازرگان و انجمن های اسلامی می نویسد: "در آن زمان مرحوم بازرگان دانشجو نبودند و در زمره موسسين انجمن نبودند ولی دانشجویان با ایشان ارتباط مستمر داشتند و از ایشان برای سخنرانی دعوت به عمل می آوردند. مهندس بازرگان نیز از آنها حمایت های مختلف به عمل می آوردند." (نیم قرن خاطره و تجربه-ص 86)

مرحله دوم- ایجاد و تاسیس

بعد از کودتای 28 مرداد و روی کار آمدن دولت زاهدی ، بازرگان که تا این زمان از ورود به مسایل سیاسی خودداری کرده بود همراه با یار قدیمی خود مرحوم یدالله سبحانی رویکرد جدیدی اتخاذ کرد و به مقابله با رژیم برآمده برخاست. در این دوره نیز با توجه به ایجاد نهضت مقاومت ملی از سوی مرحوم آیت الله سید رضا زنجانی و به دعوت فعالین نهضت مقاومت به این جریان پیوست. و در همین رابطه در سال 1334 به همراه چند تن دیگر از اعضای نهضت مقاومت دستگیر و به زندان افتاد . بازرگان در داخل زندان اول خود در دهه 30 که حدود پنج ماه به طول انجامید به جمع بندی از فعالیت های خود بعد از ورود به ایران و به ویژه به جمع بندی تجربیات خود بعد از کودتا پرداخت. و نتایج بررسی های خود را با هم سلولی خود، عزت الله سبحانی در میان گذاشت . در این باره بازرگان در خاطرات خود می گوید: "محصول آن پنج ماه زندان چند چیز بود.... 3- ... آن چه لازم تر و واجب تر از همه چیز است ، بعد از عشق و پرستش ، تربیت دموکراسی و امکان مجتمع شدن و همکاری است که مادر اثر 2500 سال زندگی غیر آزاد و غیر دموکراتیک و غیر اجتماعی یعنی انفرادی تحت رژیم استبدادی فاقد آن هستیم. نه می توانیم دور هم جمع شویم و نه وقتی دور هم جمع می شویم حاضر به گذشت و همکاری هستیم . در چنین شرایطی فعلا باید خود را به طور عملی برای فعالیت های اجتماعی تربیت کنیم." (شصت سال ص 330) این جمع بندی در حرف و سخن باقی نماند و بازرگان با همفکری عزت الله سبحانی در زندان و بعد از آزادی با سایر دوستانش به مرحله اجرا درآمد . به نوشته سبحانی حاصل جمع بحث های وی و مهندس بازرگان در این زمینه به آنجا منتهی شد که: "راه چاره را هم در ایجاد تشکل های صنفی همچون انجمن های اسلامی در سطح جامعه دانستیم در آن زمان به جز انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران ، انجمن اسلامی دیگری وجود نداشت مادر آن جا

تصمیم گرفتیم که علاوه بر آن در سایر شهرهایی که دانشگاه وجود داشت انجمن اسلامی دانشجویان تشکیل دهیم . همچنین در سایر صنوف نظیر مهندسين، پزشکان و معلمين و بانوان وغيره انجمن اسلامی تشکیل دهيم." (نیم قرن خاطره و تجربه - ص186)

ایده تاسیس انجمن های اسلامی بعد از آزادی بازرگان و سحابی و با همراهی سایر دوستان آنها به مرحله اجرا درآمد . اما پیش از آنها بازرگان به همراه سحابی، مرتضی مطهری، مهندس تاج، مهندس کتیرایی ، حاج طرخانی و کاظم یزدی جمعیت دیگری را به نام "مکتب تربیتی اجتماعی عملی" با نام اختصاری "متاع" را بنیان گذاشتند. به نوشته سحابی متاع که هسته اصلی برای تشکیل نهادهای دیگر بود تشکلی مخفی به شمار می رفت و تا زمان ترورشید مطهری نیز به فعالیت خود ادامه داد.(نیم قرن ص187)

بازرگان در ادامه فعالیت های عملی خود در سال 1339 به همراه تعدادی از شخصیت های هوادار دکتر مصدق در تاسیس جبهه ملی دوم اقدام کرد. چندی پس از آن نیز در اردیبهشت 1340 به همراه آیت الله طالقانی ، دکتر یدالله سحابی، حسن نزیه ، عباس سمیعی، رحیم ومنصور عطایی نهضت آزادی ایران را بنیان نهاد. گرچه بازرگان در تاسیس جبهه ملی دوم نیز حضور داشت ولی نهضت آزادی ایران نخستین تشکل سیاسی بود که وی با تکیه بر اندیشه های ملی و مذهبی خود پایه گذاری کرد. به گفته خودش وجوب تاسیس یک حزب یا جمعیت سیاسی که بر مرام وایدئولوژی اسلامی استوار باشد نخستین بار در گفت وگویی میان ایشان و دکتر یدالله سحابی در سال 39 طرح شد . اندیشه ای که در 27 اردیبهشت سال بعد صورت تحقق به خود گرفت و توانست در تحولات سال های 40-42 و سال های بعد از آن تاثیر گذار و نقش آفرین باشد. دکتر محمد مصدق که در این ایام در قلعه احمدآباد محبوس و زندانی بود در پاسخ به نامه تشکیل نهضت آزادی خطاب به مهندس بازرگان نوشت:" قربانت شوم : مرقومه محترم مورخ 21[ماه] جاری مبشر تشکیل جمعیتی به نام نهضت آزادی ایران عز وصول بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تریکات صمیمانه خود را تقدیم می کنم و تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص شخیص جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد..."

بازرگان بعد از تاسیس نهضت آزادی تا زمان در گذشت خود فعالیت های سیاسی خود را در قالب نهضت آزادی که سمت دبیرکلی آن را نیز همواره برعهده داشت ادامه داد. ولی با این حال این امر موجب آن نشد که وی از همکاری و همراهی با جریانات ملی و از جمله جبهه ملی سرباززند. در سال 56 13 بازرگان به همراه تعدادی از شخصیت های ملی و مذهبی ، "جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" را تاسیس کردند .

جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران که در سال 64 13 به همت بازرگان و تعدادی از شخصیت های همفکر او تاسیس شد، آخرین تشکل سیاسی - اجتماعی بود که با تلاش او و دوستانش شکل گرفت . گرچه این جمعیت همچون جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر عمر چندانی نداشت و در سال 67 فعالیت های آن متوقف شد ولی با این وجود گویای اعتقاد جدی بازرگان به تاسیس نهادهای مدنی و التزام وی به همکاری اجتماعی و جمعی بود.

آنچه در فوق از فعالیت های اجتماعی او و تاسیس نهادهای اجتماعی و سیاسی برشمرده شد ، جدای از فعالیت های حرفه ای بازرگان و تاسیس شرکت های صنعتی و تولیدی است. بازرگان در طول سال های بعد از بازگشت خود به ایران ، چندین شرکت صنعتی نیز تاسیس کرد که از جمله آنها شرکت صافیاد را می توان نام برد.

نسیم بیداری ش 4 بهمن 1392